

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی

خلاصه رویکرد راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی

نسخه پیشنهادی برای جایگزینی در بازنگری:

- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش،
- و سیاستهای کلان تحول نظام آموزش و پرورش

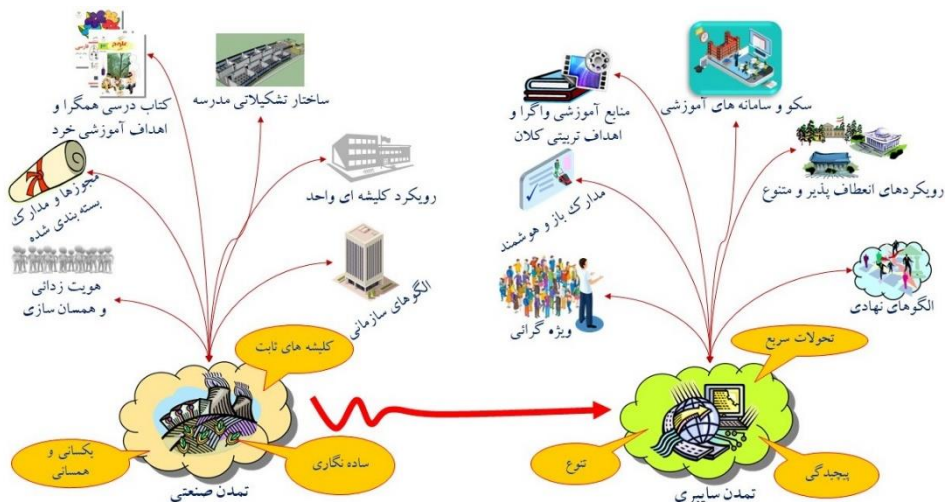
اردوان مجیدی

ویرایش ۹ / ۲ / ۱۴۰۲

فهرست

- ۱- دو مسئله اساسی پیش روی سند تحول بنیادین..... ۳
- ۲- سبقه و هدف از ارائه سند حاضر..... ۶
- ۳- رویکرد کلی سند حاضر..... ۶
- ۴- چهارچوب معماری برنامه درسی..... ۱۰
- ۵- برخی از مولفه های برنامه درسی به صورت فهرست وار..... ۱۱
- ۶- موارد محوری رویکرد و معماری حکمرانی نظام کلان تربیت..... ۱۳
- ۷- اقدامات گلوگاهی و نقشه راه..... ۱۵

اما در حوزه تربیت، تلاش شده تا قواعد و معادلات ابرانگاره منسوخ شده را با کشیدن دیوار دور مدارس، و جدا کردن^۱ آنها از جامعه، و عقب نگه داشتن مدارس در فضای دهها سال قبل، به زحمت اجرا کنند. اما این اتفاق دیر یا زود خواهد افتاد که این محبوس کردن، ناگهان (نظیر نمونه کوچکی که از آن در بحران کرونا و تاثیر آن بر نظام آموزشی دیدیم) از هم فرو می‌پاشد، و جامعه راه خود را، به صورتی تقریباً غیر قابل کنترل برای حاکمیت خواهد رفت؛ نظیر اتفاقی که در حمل و نقل و راه افتادن تاکسی اینترنتی، و واماندن تاکسیرانی رسمی افتاد. اگر حاکمیت، خود این تغییر ابرانگاره را اجرا می‌کرد، قابلیت مدیریت بهتر فضای آن را نیز پیدا می‌کرد. اما وقتی حاکمیت و سازوکارهای حکمرانی، در مقابل این تغییر با تصوری از الگوها و قواعد منسوخ شده پافشاری می‌کند، بالطبع به صورت تدریجی و یا در یک شوک ناگهانی، به همراه منسوخ شدن و کنار گذاشتن شدن قواعد این ابرانگاره، قدرت حاکمیتی و حکمرانی خود را از دست داده، و با میدانی مواجه می‌شود که از حیطه حکمرانی او خارج شده، و او تنها به عنوان نظاره‌گر، برای کسب قدرت حداقلی در حکمرانی در این میدان، دست و پا می‌زند.



شکل خ ۲ - ویژگیهای محوری، سازوکارها و رویکردهای محوری تعلیم و تربیت در دو تمدن

سند حاضر، تلاشی مبتنی بر فهم این تغییر ابرانگاره تمدنی جدید، و تبیین نظام تربیت و برنامه‌درسی، مبتنی بر قواعد و معادلات این ابرانگاره است. به معماری و الگوی تبیین شده در سند حاضر، باید با چشم تبیین یک تغییر ابرانگاره^۲ نگاه شود.

دوم - دومین علت موفق نشدن تلاشها برای تحول تربیت، ناشی از نبود یک نگاه یکپارچه و مبتنی بر یک معماری، به تبیین مولفه‌ها و ترکیب بندی نظام تربیت است. شاید بسیاری از خصوصیات نظام تربیت تمدنی جدید، حتی با در نظر گرفتن برخی ویژگیهای تحول ابرانگاره‌ای جدید، در گوشه گوشه سند قبلی، به صورت گزاره‌هایی زیبا ذکر شده است، اما ترکیب بندی تمام سند قبلی، به همراه نظام موجود در

۱ - ایزوله کردن.

۲ - Paradigm Shift

حال اجراء مبتنی بر قواعد و معادلات ابرانگاره قدیمی است، و این ترکیب بندی، اجازه تحقق آن گزاره‌های زیبا را نمی‌دهد.

به عنوان یک مثال، در سند تحول بر معلم محوری تاکید می‌شود، اما الگوی کتاب درسی، اهداف آموزشی خرد، حجم و تعدد موضوعات خرد آموزشی، بودجه بندی آموزشی، مطالبه همسان کنکور، و نظایر آن، در عمل اجازه هرگونه تصمیم‌گیری، و بخصوص خلاقیت را از معلم می‌گیرد، و هر گونه حرف از استاد و شاگردی، فقط گزاره‌هایی زیبا و بی پشتوانه و غیر قابل اجرا است. در سند از "توان تفکر، خلاقیت و یادگیری اکتشافی"، صحبت می‌شود، اما حجم کتابهای درسی، اهداف آموزشی و بودجه بندی آموزشی، الگوی ارزشیابی و نظایر آن، عملاً فرصت و شرایطی برای آن باقی نمی‌گذارد. در ارزشها و ویژگیهای تربیت یافتگان، از حیات طیبه و دهها ویژگی زیبای دیگر سخن می‌رود، اما در عمل فقط چند عبارت یا متن در کتابهای درسی گنجانده می‌شود؛ در حالی که تحقق آن بجز در درگیر شدن در زندگی و عمل، و در خلال شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ متربیبان، ممکن نیست؛ و الگوی برنامه‌درسی کنونی چنین چیزی را ممکن نمی‌سازد. اینها فقط نمونه‌هایی از ارزشها و راهکارهای ارائه شده در سند قبلی است، که بدون پیوند با پیش فرضها و سازوکارهای الگوی برنامه‌درسی، و بدون پیش‌بینی زمینه‌ها و پشتوانه‌های عملیاتی تحقق آن، فقط تبدیل به شعارهایی شده است که در سند داده می‌شود، ولی امکان تحقق آن فراهم نمی‌آید. این گزاره‌های ارزشها و راهکارها، از پشتوانه ترکیب‌بندی یک معماری مشخص و منسجم، برخوردار نیست.

تلاش معمار سند پیشنهادی بر آن بوده که سازوکارهایی که در سند حاضر تعریف شده، در یک تاروپود منسجم، از یکدیگر پشتیبانی کنند.



شکل ۳ - نسبت این سند با سند تحول بنیادین، و وجوه تمایز و ابعاد ارزش افزوده این سند

۲- سبقه و هدف از ارائه سند حاضر

از سال ۱۳۸۳، تعامل خوب و البته کم‌رنجی بین نگارنده سند پیشنهادی و کارگروه فنی سند ملی آموزش و پرورش وجود داشت، و بعضاً نقدها و برخی از پیشنهادها به عزیزان کمیته فنی ارائه می‌شد. مهمترین پیشنهاد، اتخاذ رویکرد معماری و بنا شدن مطالعات و سند بر یک معماری منسجم بود. که متأسفانه در هیچ کدام از این مراحل، زمینه انجام آن فراهم نشد. نگارنده، شخصا و در بستر یک موسسه پژوهشی، طراحی معماری مذکور را با بهره بردن از نظرات طیف وسیعی از صاحب‌نظران، دنبال کرده، و امروز ثمره آن در سند حاضر مشاهده می‌شود. و البته از نتایج سند تحول قبلی، و سه سند پیوست آن نیز در تدوین این سند استفاده شده است.

معماری و تدوین سند حاضر، به گونه‌ای انجام شده که به جامعه تربیت، برای مواجه شدن با آینده، کمک کند؛ و جامعه را مخاطب اصلی خود می‌داند. جامعه راه خود را برای ساختن تربیت آینده، باز خواهد کرد.

ضمن آنکه یکی از ویژگی‌هایی که تنظیم الگوهای معماری مبتنی بر تحول نهادی در بر دارد، آن است که افق دراز مدتی را پیش روی خود باز می‌کند، و برای تطابق با شرایط تمدنی و رفتار متناسب در این افق دراز مدت، الگوهای انعطاف پذیری را در بر می‌گیرد، که دوره اعتبار طولانی مدتی را محقق می‌کند.

این تلاش برای ایجاد یک گفتمان و میدان معرفتی، برای شکل گرفتن و انسجام تلاشهای فکری پراکنده در این زمینه از یک سو، و ویرایش جمعی این معماری، تکامل بر اساس عقل جمعی، و نیز اقدام جمعی برای تحقق آن از سوی دیگر، انجام شده است.

۳- رویکرد کلی سند حاضر

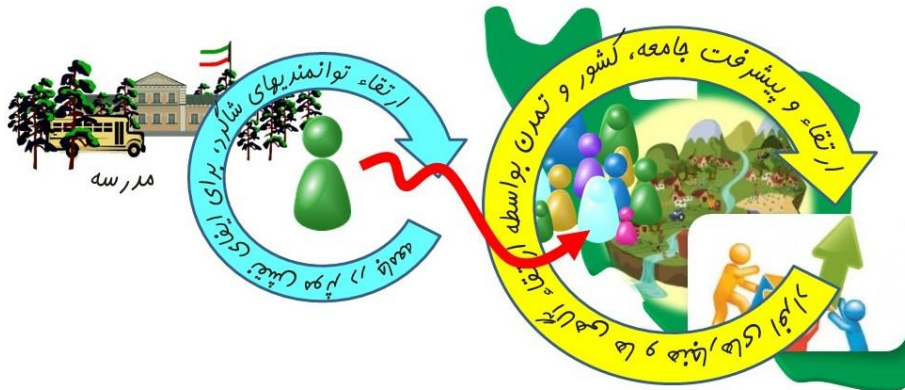
۱. سند حاضر، یک سند نهادی است، و معماری آن با رویکردی نهادی طراحی شده است. یک معماری نهادی، بافت نظام را با توجه به عناصر فرهنگ، هنجارهای جامعه، و رفتارهای نهادینه شده جامعه در نظام، تحلیل و تبیین می‌کند.

همچنین مدل تحول نظام بر اساس یک معماری نهادی، تحولی نهادی را پی‌ریزی می‌کند. در این تحول نهادی، تغییر نظام از طریق دستورالعمل و بخشنامه و ابلاغ صورت نمی‌گیرد، بلکه در بافت جامعه و هنجارهای آن، با شکل‌گیری تدبیر، مطالبه و تلاش توأم اجتماعی برای تحقق آن، حرکت نهادینه شده‌ای در درون جامعه برای تحول صورت می‌گیرد.

رویکرد تحول نهادی آن است که حاکمیت، خودش را از بسیاری از مداخلات غیر ضروری که امروز در آن در نظام تربیت غرق شده است، و بخش مهم انرژی خود را صرف دست و پا زدن در آن می‌کند، خارج کرده، و هوشمندانه، در نقاط گلوگاهی، با کمترین تلاش، نبض جریان تحول تربیت را در

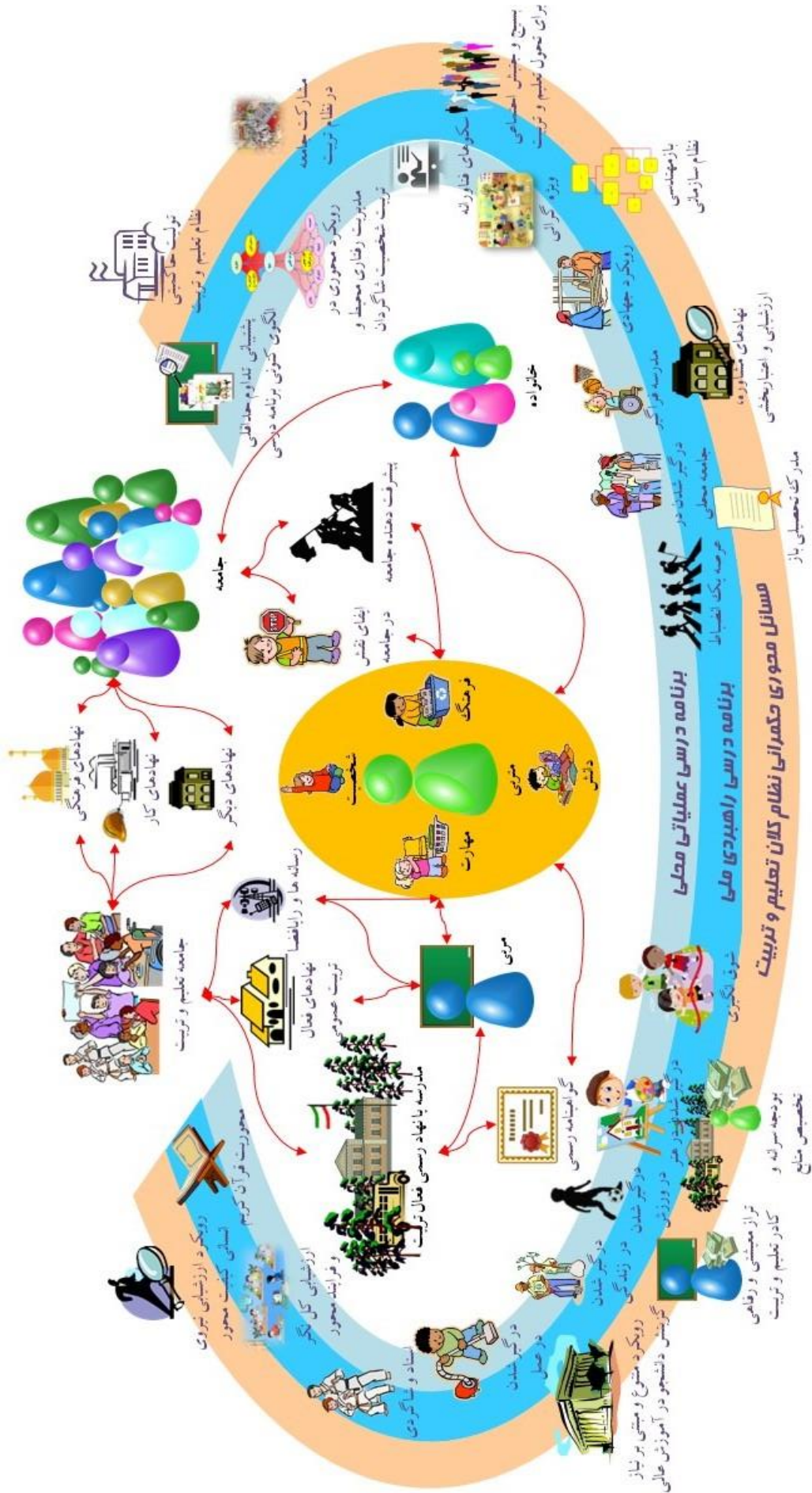
- دست بگیرد. بدین ترتیب حاکمیت اجازه می‌دهد که پتانسیل خلاقیت و توانمندیهای جامعه تربیت، خود به بهترین وجه، تحول نظام را رقم بزند.
۲. شفاف بودن سازوکارهای اجرا و اتفاقی که باید در نهادهای تربیتی و مدارس، در عین انعطاف پذیری و تنوع رویکردهای ممکن قابل اجرا در مدارس، بیفتد.
۳. تعداد اقدامات اصلی محدود بوده، و با شناسایی عوامل گلوگاهی در تحول نظام، یک حرکت زنجیره‌ای بین عوامل موثر، طراحی شده است.
۴. بخش اول شامل چند گفتار برای کمک به درک بهتر معماری نظام تربیت و تحول آن است، و جزو سند رسمی نیست. بخش دوم متن سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام تربیت (آموزش و پرورش) (نسخه پیشنهادی برای جایگزینی در بازنگری سیاستهای کلی نظام در این حوزه)، و بخش سوم شامل متن راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی (نسخه پیشنهادی برای جایگزینی در بازنگری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) می‌شود.
۵. به تاسی از سند فلسفه و سند فلسفه تربیت رسمی و عمومی، به جای عبارت "آموزش و پرورش"، عبارت "تربیت" استفاده شده است.
۶. این سند مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تربیت رسمی عمومی، و رهنامه نظام تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران)، تعریف می‌شود. هر چند که در مواردی نیاز به بازنگری در ابعاد از این اسناد احساس می‌شود، سند پیشنهادی بصورت عمومی به سه سند مذکور اتکا می‌کند.
۷. تربیت عمومی در این سند، تعلیمات و اقدامات تربیتی است، که از مرحله پیش از تولد تا هنگام ورود به آموزشهای عالی و آموزشهای کار، برای متریبان تمهید، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود.
۸. تربیت رسمی در این سند، بخشی از تربیت عمومی است، که با تولید وزارت آموزش و پرورش (وزارت تربیت)، انجام شده، و به صورت رسمی مورد ارزشیابی، و اعتبار بخشی به متریبان (گواهی پایان دوره) قرار می‌گیرد.

۹. چکیده ماموریت تربیت عمومی و رسمی از منظر این سند، تربیت متربیان برای زندگی سالم و ایفای نقش موثر در جامعه، به گونه ای است که جامعه پیشرفته آینده را در تار و پود تمدن اسلامی بنا کنند.



شکل خ ۴ - دو ماموریت نظام تربیت

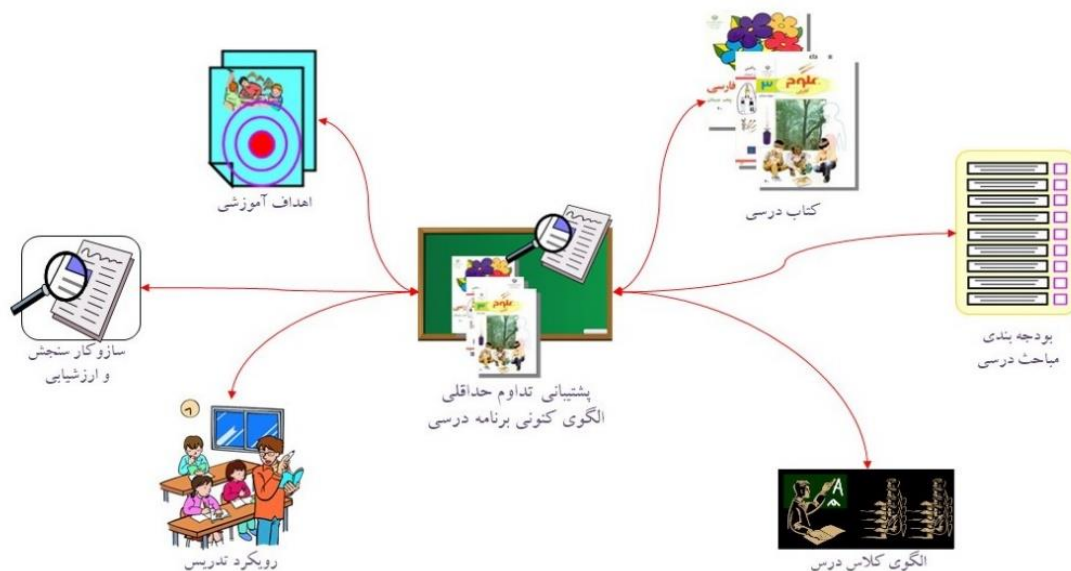
۱۰. جامعه تربیت شامل سه طیف از نهادهای حاکمیتی و غیر حاکمیتی می شود: "نهادهای اندیشه ورز" (بامحوریت حاکمیتی "شورای عالی آموزش و پرورش")، "نهادهای مجری" (بامحوریت حاکمیتی "وزارت آموزش و پرورش") و "نهادهای ناظر" (بامحوریت اجتماعی "شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت"). سه فاز چرخه حیات سند تحول، توسط این سه نهاد انجام می شود.
۱۱. سند تحول بنیادین، در دو سطح تدوین و اجرا می شود. در سطح اول یک سند راهبردی ملی (همان متن سند پیشنهادی) و در سطح دوم، سندهای محلی (در سطوح و حوزه های مختلف از استانها تا مدارس، که توسط جامعه تربیت همان حوزه، تدوین و اجرا شده، و اجرای آن نیز مورد نظارت قرار می گیرد). (شکل ۱)
۱۲. سند، ترکیب نظام تربیت را در قالب دو معماری ارائه می دهد: معماری برنامه درسی و معماری نظام کلان تربیت.



شکل خ ۵ - مدل عمومی ابعاد و رویکرد تحول تعلیم و تربیت

۴- چهارچوب معماری برنامه درسی

۱. معماری برنامه درسی شامل تبیینی سطح بالا از برنامه درسی تربیت عمومی و رسمی است، و فقط در سطح برنامه درسی راهبردی (جهت گیریهای محوری و اصول میدان یاددهی - یادگیری، و طیف نتایج یادگیری) تعریف شده، و از تعیین جزئیات برنامه درسی (در هر قالب نظیر کتاب درسی، اهداف آموزشی جزئی، بودجه بندی آموزشی، مفاد ارزشیابی آموزشی) خودداری می شود.
۲. برنامه درسی در سطوح محلی و مدرسه، به سطح برنامه درسی عملیاتی وارد می شوند.
۳. الگوی کنونی برنامه درسی رسمی، کماکان با تولید وزارت آموزش و پرورش، به عنوان یک برنامه درسی مرجع، با تمام پشتیبانی های آن (نظیر چاپ کتابهای درسی، تولید بسته های آموزشی و ...) حفظ و به صورت مستمر به روز شده، و حوزه های محلی می توانند تمام یا بخشی از آن را به عنوان الگوی برنامه درسی خود اتخاذ کنند. شکل ۲، ابعاد الگوی کنونی برنامه درسی رسمی را نشان می دهد.
۴. حوزه های محلی و نهادهای فعال تربیت در تعیین برنامه درسی عملیاتی خود، در چارچوب معماری کلان برنامه درسی و ارزشهای کلان تربیت تبیین شده در این سند، مختارند، و امکان طراحی دوره ها، الگوها و معماری های متفاوتی را در این چارچوب، مبتنی بر اقتضائات، نیازها و شرایط محیطی خاص خود، دارند. آنها سند برنامه درسی عملیاتی خود را طبق ضوابط سند مرجع، با نظارت شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت، تدوین، تصویب و اجرا می کنند. تا زمانی که سند برنامه درسی آنها تصویب نشود، کماکان الگوی کنونی برنامه درسی رسمی را اجرا کرده و تابع ضوابط آن خواهند بود. ضمن آنکه نهادهای اندیشه ورز، الگوهای متنوعی را برای طیفهای مختلفی از مدارس، ایجاد می کنند.



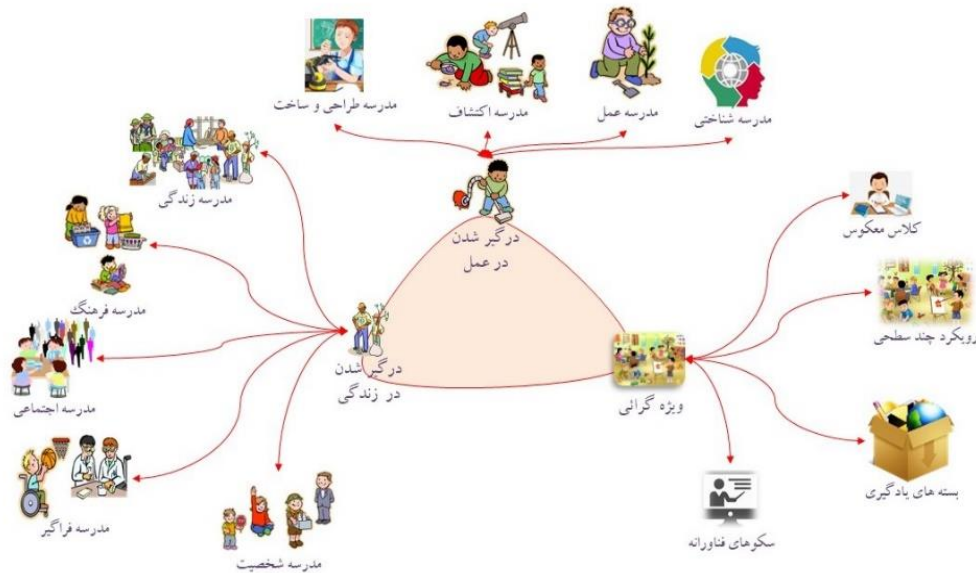
شکل ۶ - ابعاد الگوی کنونی برنامه درسی رسمی

۵. نقشه جامع تربیت عمومی و رسمی، جایگاه تمام نهادهای فعال تربیت در تربیت عمومی و رسمی، خلاءها برای ایجاد نهادهای جدید، اصلاح ماموریت نهادهای کنونی، ترسیمی از ابعاد تربیت عمومی و رسمی، برنامه پوشش این ابعاد توسط نهادها، را تبیین می‌کند.
۶. در فصل چهارم سند، ارزشهای کلان نظام تربیت عمومی و رسمی فهرست و تبیین شده است.
۷. در فصل پنجم سند، منشور حقوق تربیتی متربی (کودک، شاگرد و فرزند) مبتنی بر مبانی معرفتی اسلام، در قالب ۷ مولفه اصلی و بیش از ۵۰ مولفه فرعی تبیین شده است.
۸. در فصل ششم، ارزشها و اهداف تربیت در تحقق توانمندیهای مبنائی در چهار بعد "رشد شخصیت"، "تعالی فرهنگ"، "ارتقاء مهارتها"، و "کسب دانش"، تبیین می‌شود. سپس ویژگیهای عمومی مطلوبی که نظام تربیت، تحقق نسبی و حتی الامکان آنها را به صورت کلی در متربیان هدف‌گیری و دنبال می‌کند، در قالب ۱۳ ویژگی دنبال می‌شود. سپس این ویژگیها در سه دوران سنی مختلف، پیش از دبستان (۶ تا ۷ سال اول زندگی)، ابتدائی (۶ تا ۷ سال دوم زندگی) و متوسطه (۶ تا ۷ سال سوم زندگی)، به شکل‌های مختلفی ظهور پیدا کرده و تحقق نسبی آن دنبال می‌شود.
۹. جریان تربیت از محیط خانواده تا مهد کودک، پیش دبستانی، دبستان، دبیرستان، دانشگاه، آموزش ضمن خدمت، و آموزشهای رسانه‌ای و محیطی، با تنوع انواع بسترها و نهادی تربیتی باید به صورت یکپارچه ولی به صورت متنوع، خلاقانه و مقتضی با شرایط، نیازها و امکانات جامعه تمهید شود، به گونه‌ای که کل جامعه، برنامه متنوع، خودسازمانده، ویژه‌گرا و فعالی را برای تربیت داشته باشد. حاکمیت در این میان نقش محوری جریان‌ساز، بسترساز، و جهت دهنده به جریان را ایفا می‌کند، و تعیین جزئیات برنامه‌های تربیتی توسط بخشهای مختلف نهاد و جامعه تربیت، انجام می‌شود.
۱۰. برای ارتقاء سطح معلمان به رویکرد استاد و شاگردی، لازم است تا معلمان، خود در رویکرد استاد و شاگردی تربیت و رشد یابند. این امر از طریق یک "زنجیره شبکه‌ای استاد و شاگردی"، محقق می‌شود.
۱۱. رویکرد کلان تربیتی برنامه‌درسی در سطح برنامه‌درسی راهبردی، در پهنه مولفه‌هایی تعریف می‌شود که بر حسب اقتضائات، شرایط و توانمندیها و بضاعت‌های نهادهای تربیت، به گونه‌های مختلفی قابل ترکیب بندی و اجرا است.
۱۲. یک رویکرد در مدیریت رفتاری محیط و تربیت شخصیت شاگردان، با تمرکز بر تقویت عزت نفس و حیا، به عنوان رویکرد محوری در تربیت پیشنهاد می‌شود.

۵- برخی از مولفه‌های برنامه درسی به صورت فهرست وار

۱. خانواده به عنوان یک بازوی مهم و اصلی تربیت،
۲. محوریت جریان تربیت بر رویکرد استاد و شاگردی،
۳. تربیت مبتنی بر مبانی دین اسلام، و محوریت محتوای مصحف قرآن کریم،
۴. شکل دادن الگوهای مناسب انسانی رشد یافته و آرمانی، صحیح و متعالی، و قهرمان پردازی، با شیوه‌های حرفه‌ای و مناسب سن و اقتضائات درک قلبی و روانی، و فهم عقلانی متربیان،

۵. **درگیر شدن در عمل**، در قالب مدرسه عمل، مدرسه اکتشاف، مدرسه شناختی و مدرسه طراحی و ساخت،
۶. **درگیر شدن در محیط زندگی واقعی و جامعه**، در محیط توأم مدرسه زندگی، مدرسه فرهنگ، مدرسه اجتماعی و مدرسه شخصیت،
۷. **یادگیری جمعی** در تعامل اجتماعی و گروهی، و درگیر شدن در کارهای جمعی،
۸. **قرارگرفتن در عرصه یک انضباط و نظام سیستمی**،
۹. **ویژه‌گرایی تربیت**، به نحوی که هر شاگرد متناسب با اقتضات، از جمله نیازها، استعدادها، ویژگیها، و شرایط محیطی خود، حتی‌الامکان با متناسب‌ترین رویکرد و سازوکارها تربیت شود،
۱۰. فراهم ساختن زمینه رشد هر شاگرد متناسب با توان و استعدادهای خود او، با سازوکارهایی نظیر کلاس معکوس، رویکرد اکتشافی، رویکرد چند سطحی، استفاده از بسته‌های یادگیری، مدیریت فرایند یادگیری با استفاده از سکوهای فناورانه، و نظایر آن،
۱۱. **حضور فراگیر و تعامل متریبان از طیفهای مختلف توانمندی** در کنار یکدیگر، از کم‌توان تا پرتوان، در زمینه‌های جسمی، هوشی و روانی ضمن مناسب سازی محیط فیزیکی، و دریافت حمایت‌های تخصصی،
۱۲. استفاده از ابزارهای بازی، دوستی، همکاری، قصه و داستان، روایتگری و نمایش، به عنوان سازوکارهای طبیعی و خدادادی برای یادگیری،
۱۳. **درگیر شدن در فضا و فعالیت‌های هنری**،
۱۴. **تحرک و فعال سازی جسمی و ورزشی**،



شکل خ ۷ - ابعاد سه حوزه محوری رویکرد برنامه درسی

۱۵. **تعامل بین مدرسه و جامعه محلی**، و نیز درگیر شدن آزادانه و با اختیار شاگردان در **تلاشگری جهادی برای خدمت به جامعه**،
۱۶. **ارزشیابی**، با رویکرد سوق به سمت **تربیت خودانگیزه**، **رشد گرا و فهم مدار**، بدون مقایسه و رتبه‌بندی بین شاگردان و ایجاد رقابت مخرب، بلکه رقابت هر شاگرد با خودش در ارتقاء دائمی توانمندیهای خودش، و حرکت به سمت رویکردهای **ارزشیابی کیفی فرایند محور و کل نگر**، و استفاده از مزایای رویکرد استاد و شاگردی، و ثبت مولفه‌های اصلی توانمندیها و شایستگی در هر گونه گواهینامه و مدرک تحصیلی،
۱۷. **ارتقاء و شناسائی استعدادهای شاگردان**، به مرور زمان، با توجه به اینکه استعداد ساختنی است و یک بعدی نیست، با فراهم کردن زمینه های فضای مدرسه زندگی، مدرسه عمل، ویژه‌گرائی تربیت، تنوع محیط آموزش و محتوای انعطاف پذیر آن،
۱۸. **ارتقاء محیط و معماری مدارس و نهادهای تربیتی**، در حد بضاعتها، به صورت مناسب و با طراحی حرفه‌ای، علمی و هنرمندانه، برای **آموزش فعال**، با **تعامل اجتماعی**، بر اساس سبکهای نوین معماری اسلامی، متناسب با اقتضات فرهنگی، ملی و محلی، و با بهره‌گیری از دانش روز، و رعایت اصول مقاوم سازی و ایمن‌سازی مدارس، با **رعایت تحرک طبیعی** و بازیگوشی، و اقتضات سنی شاگردان، و ساماندهی فضاهائی نظیر دستشوئی‌ها، و توجه به نیازمندیهای شاگردان، خانواده‌ها و مربیان خاص و کم‌توان،
۱۹. **تمهید و بسترسازی زیرساختها و سکوهایی متفاوت و متنوع** فناورانه روزآمد تربیت،
۲۰. **تعیین اهداف آموزشی به صورت اهداف کلان و استفاده از منابع متنوع آموزشی**، و اینکه حتی‌الامکان از کتاب درسی به عنوان منبع انحصاری استفاده نشده، و بدون استفاده از کتاب درسی در آموزش مستقیم شاگردان، آموزش بر اساس رویکرد حل مسئله و اکتشافی، با استفاده از منابع متعدد و استفاده از منابع الکترونیکی و بسته‌های آموزشی، بخصوص با فعال کردن تفکر واگرا، انجام شود.

۶- موارد محوری رویکرد و معماری حکمرانی نظام کلان تربیت

۱. **تولیت حکمرانی نظام تربیت امری حاکمیتی است**، و باید توسط وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ایران انجام شود.
۲. نهادهای حاکمیتی، باید زمینه **مشارکت فعال و خلاقانه جامعه** در امر تربیت را به صورت بسیج اجتماعی، نهادسازی، و فعالیت موسسات و مراکز مردم‌نهاد، فراهم آورند. در عین اینکه خود حاکمیت نیز فقط در موارد ضروری و غیر قابل انجام توسط جامعه، طبق شرایط هر دوره، برای تحقق عدالت آموزشی برای تمام اقشار جامعه، با کیفیت، روزآمدی و مطلوبیت مناسب، باید به تصدی حاکمانه در این زمینه‌ها



شکل ۸- نقشه‌های نهادها و سطوح مشارکت در برنامه درسی و اجرا

مبادرت کند؛ به صورتی که بخش اصلی فعالیت‌های این نظام توسط خود جامعه انجام شده، و حاکمیت کمترین حوزه تلاش خود را در حوزه تصدی‌گری انجام دهد.

۳. **بازمهندسی و چابک سازی نظام سازمانی و اجرائی** بصورت مستمر انجام می‌شود.
۴. **سرانه هر شاگرد**، برای تحقق عدالت آموزشی، با نسبت و میزان منطقی و مکفی، متناسب با شرایط هر شاگرد، تعیین و اختصاص می‌یابد.
۵. **سرانه هر شاگرد مستقیماً به مدرسه و نهادهای تربیتی رسمی (اعم از دولتی و غیر دولتی) که شاگرد در آن تحصیل می‌کند، اختصاص داده می‌شود.**
۶. **حقوق و مزایا و سربار هزینه‌های حقوق نظیر بیمه و مالیات، معلمان و کارکنان در استخدام رسمی دولتی**، که در یک مدرسه تدریس می‌کنند، به نسبت میزان اشتغال در آن مدرسه، از مجموع سرانه ویژه شاگردان که به مدرسه اختصاص یافته، کسر می‌شود.
۷. **معلمان در استخدام رسمی دولتی**، در صورت موافقت اداره آموزش و پرورش محل خدمت، می‌توانند در **مدارس غیر دولتی** نیز تدریس کرده، و حقوق و مزایای آنها از سهم سرانه مدرسه غیر دولتی مذکور کاسته شود.
۸. **تمام هزینه‌های مدارس دولتی (اعم از هزینه کارکنان، تاسیسات، نگهداری عمرانی و غیر آن) از محل سرانه ویژه شاگردان مشغول به تحصیل تامین شده، و بودجه دیگری به مدارس اختصاص نمی‌یابد.**
۹. **برای مدارس با شرایط ویژه، "بودجه استثنائی تکمیلی"** در قالب محاسبات هوشمند برای رفع کسری هزینه‌های اختصاص داده می‌شود.
۱۰. **تمام بودجه و هزینه‌ها، با تمام جزئیات به صورت شفاف و مستمر و به شکل خودکار، منتشر می‌شود.**
۱۱. **یک بسیج و جنبش اجتماعی برای مشارکت وسیع و فعال جامعه در حوزه تربیت ایجاد می‌شود.**

۱۲. ارائه گواهینامه‌های تحصیلی مبتنی بر رویکرد مدرک باز و مبتنی بر سازوکار تبیین توانمندیها و شایستگیها و تجارب، انجام می شود.

۱۳. ارزشیابی نیروی انسانی در محیط کار به رویکرد کیفیت محور، و ارزشیابی مستمر سوق پیدا می کند. دانشگاهها در این میان نقش محوری را ایفا کرده، و خود یک الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی نیروی انسانی را انتخاب، بومی سازی، یا طراحی کرده، و در داخل خود دانشگاه و در مورد دانشجویان خود اجرا می کنند. سپس نتایج آن به مدارک تحصیلی به صورت باز منتقل شده، به نحوی که مدارک تحصیلی فارغ التحصیلان، ابعاد شایستگیها و توانمندیهای آنها را در ابعاد مختلف، منعکس کند. مورد انتظار است که در این صورت، بتدریج فهم و توجه این ابعاد شایستگی، به سطح جامعه منتقل شود. همچنین خدمات مشاوره در مورد الگوهای مورد استفاده، و فرهنگ سازی نیز با محوریت دانشگاهها انجام می شود. و البته لازم است تا تلاش وسیع و همه جانبه‌ای از سطح قانونگذاری تا سطح فرهنگ سازی و نهادینه سازی، در حاکمیت و نهادهای اجتماعی مرتبط به صورت وسیع، با محوریت دانشگاهها، و تولید مطالبه گری و حمایت حاکمیتی سازمان اداری و استخدامی کشور، و همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، و رسانه‌های جمعی و نهادهای اجتماعی انجام شود.

۱۴. برای اثر بخشی و تحقق خلاقیت ناشی از تنوع رویکرد آموزشی، لازم است تا آزمون کنکور سراسری ورودی دانشگاهها نیز از رویکرد فعلی به رویکرد متنوع و مبتنی بر نیاز دانشکدهها سوق پیدا کند. هر دانشکده یا گروه آموزشی در دانشکده، بر اساس خصوصیات رشته‌های تحصیلی خود، و نیازمندیها و خصوصیات آن رشته‌ها، الگوهای شایستگی، و نیز رویکرد آموزشی دوره‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی، معیارها و سازوکارهای گزینش دانشجوی خود را تعریف و اجرا نمایند؛ و کنکور سراسری به شکل فعلی برچیده شود.

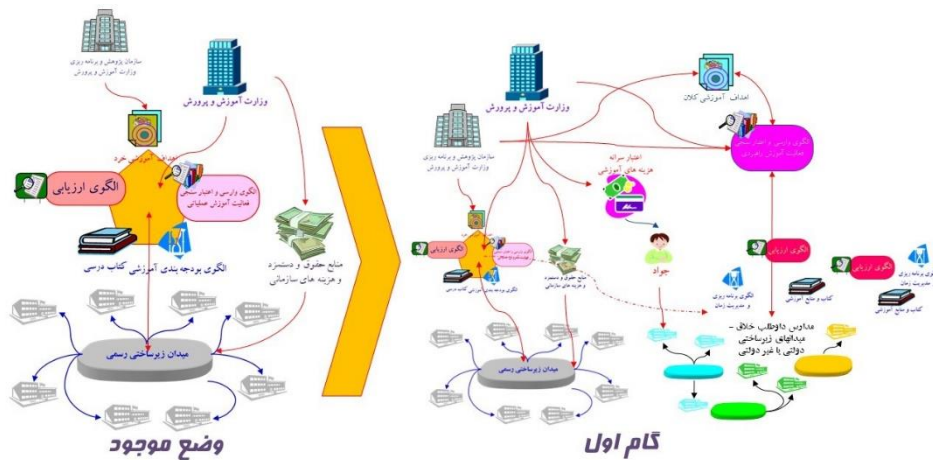
۱۵. رویکرد تربیت استاد و شاگردی، نه تنها در مقطع تربیت عمومی و رسمی آموزش و پرورش، بلکه به نظر می رسد در تربیت آموزش عالی نیز کاربرد موثری داشته باشد و توصیه می شود.

۱۶. نهادهای مشاوره، نظارت و ارزشیابی در سه سطح کادر تربیت، نهادهای فعال تربیت، و نظام تربیت، به صورت مستمر به امر مشاوره، نظارت و ارزشیابی می پردازند.

۷- اقدامات کل گاهی و نقشه راه

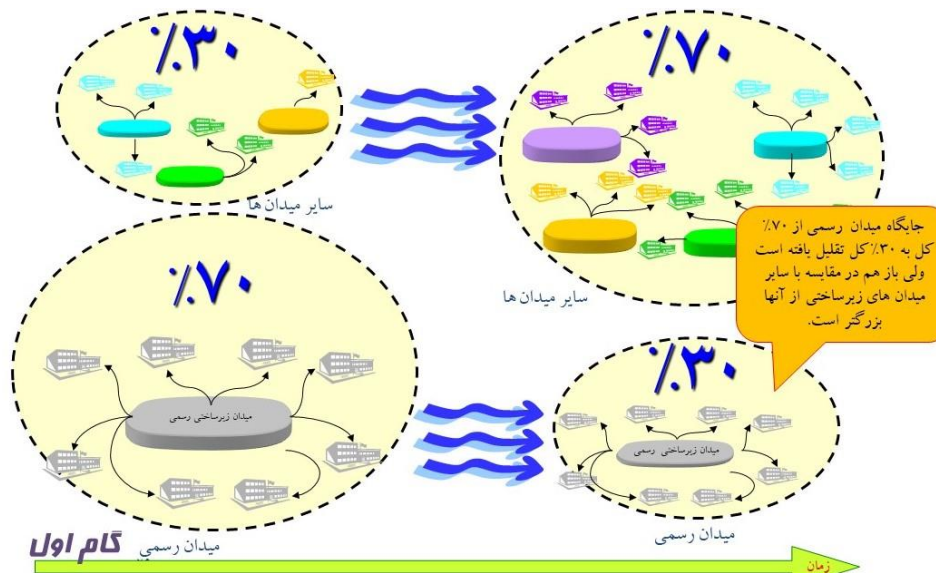
این تحول یک تحول نهادی و خود انگیخته است، و پیش فرضهای آن بر تحول اجتماعی و پذیرش و نهادینه شدن تحول قرار گرفته است. حاکمیت هم باید اقدامات خاص خود را، انجام دهد، اما اتفاق اصلی در بافت نهادهای اجتماعی فعال تربیت می افتد.

تحول، با چند اقدام محوری در نقاط گلوگاهی، آغاز شده، و بر اساس زنجیره ای از اقدامات تابع، گسترش می یابد.



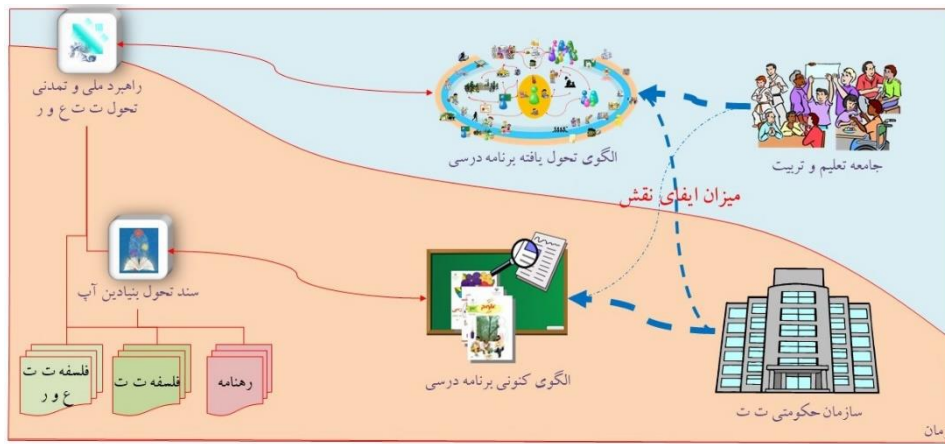
شکل خ ۹- گام اول در تمرکز زدائی و مشارکت اجتماعی، مبتنی بر معماری تحولی نهادی

پیوستن به میدان برنامه درسی تحول یافته، یک پیوستن اختیاری، انتخابی، تدریجی و با در نظر گرفتن، فراهم کردن، و تحقق اقتضائات است، نه یک تغییر الزامی، بخشنامه‌ای، دستوری و فوری. تحول نظام و بافت جدید برنامه درسی، باید به صورت موازی و به تدریج، در کنار حفظ الگوی برنامه درسی موجود انجام شود. حوزه‌هایی که آمادگی پذیرش تحول را نداشته باشند، بدون نگرانی از متزلزل شدن روال کنونی، و عدم تداوم دریافت حمایت در حد حمایت‌های کنونی، می‌توانند تا سالها طبق روال کنونی تربیت، به فعالیت خود ادامه دهند. خود جامعه باید مطلوبیت این پیوستن را درک و مشاهده کرده، و با درک این مطلوبیت، داوطلبانه به آن بپیوندد، و برای این کار فرصت کافی دارد.



شکل خ ۱۰- رشد تدریجی سایر میدانها مبتنی بر رویکردهای تربیتی نوآورانه

پیوستن به الگوی برنامه‌درسی مطلوب، یک امر دفعی و ناگهانی نیست، بلکه امری تدریجی و تکاملی است. فهم و تحقق اجرائی الگو، به تدریج و در یک فرایند تکاملی اتفاق می‌افتد.



شکل خ ۱۱- توسعه تدریجی الگوی تحول یافته در کنار همزیستی مسالمت آمیز با الگوی کنونی

تحول با تحقق هفت طیف اقدامات گلوگاهی تحولی انجام می شود:

- ۱- توسعه نهادی تربیت عمومی،
- ۲- ارتقاء سطح اهداف آموزشی از خرد به کلان، و توسعه منابع و بسته‌های آموزشی،
- ۳- مدارس با رویکردهای متنوع و تحول برنامه‌درسی،
- ۴- استاد و شاگردی و ویژه‌گرایی تربیت،
- ۵- توسعه سکوه‌های آموزشی،
- ۶- تحول و شکل‌گیری نظام ۴ گانه نظارت و ارزشیابی تربیت،
- ۷- تحول ارزشیابی شایستگی نیروی انسانی و شکل مدرک.

اقدامات در این هفت طیف در خلال سه مرحله یا سه موج از کنشهای اجتماعی و عملیاتی، صورت می‌گیرد. هر یک از این موجها، منجر به ارتقاء سطحی از تحول نهادی در بافت نظام تربیت می‌شود.

- **موج اول - بیداری.** که در آن جامعه تربیت نسبت به ماهیت تحول آگاهی پیدا کرده و برای اجرای آن هشیاری لازم را پیدا می‌کند. بخشهایی در این موج درگیر می‌شوند که از قبل پیشرو در تحول بوده‌اند.
 - **موج دوم - توانمندسازی.** که در آن بخشهای داوطلب و مستعد از جامعه و نظام تربیت، توانمندیهای لازم برای تحول را کسب کرده، و به بافت تحول یافته می‌پیوندند.
 - **موج سوم - گسترش.** در این موج بخشهای محافظه کار و احیانا کم‌توان تر در پذیرش تحول، با دریافت بازخوردهای اجتماعی از موج دوم، بتدریج با تحول همراهی می‌کنند.
- به نظر می‌رسد، موج اول در یک دوره ۲ ساله، موج دوم در یک دوره ۴ ساله، و موج سوم در یک دوره ۶ ساله قابل تحقق باشد؛ هر چند که عوامل متعددی می‌تواند در کوتاه‌تر یا طولانی‌تر شدن این دوره‌ها موثر باشد.

الحمد لله رب العالمین

انتهای سند